

... و روایتی دیگر از مراسم نوروزی

در صفحات پیش شمه‌ای از آداب و رسوم مربوط به عید نوروز، و کنکاشی پیرامون سابقه این گرامی‌ترین و کهن‌ترین مراسم ملی ایرانیان از نظر خوانندگان گرامی گذشت. آن گزارش حاصل تحقیق آقای اسماعیل یگانگی بود. در زیر پاره‌ای دیگر از آداب و رسوم مربوط به عید نوروز، و نیز روایات و حکایات دیگری در رابطه با این عید و سنت‌های گوناگون آن از نظر آنان می‌گذرد.

نوشته: سیروس نیرو

سخن در پرده می‌گویم چو گل از خنجره بیرون آی
که بیش از پنج روزی نیست حکم میر نوروزی
میر نوروز یکی از مراسم نوروز عهد باستان بود که پنج روز آخر سال مردم برای شادمانی و تفریح ابله‌ترین شخص را به مدت پنج روز به پادشاهی انتخاب می‌کردند و اوامر او به ظاهر لازم الاجراء بود. البته در شعر حافظ به ذکر آمده کفایی است جهت بی‌ثباتی زندگی و غرض از آوردن این شاهد شعری، شهرت این مراسم می‌باشد.



سید علی میر نیا مؤلف کتاب اوزنده فرهنگ مردم می‌آورد: میر نوروزی و حکومت مسخره او سابقه تاریخی دارد. در دوره‌های پیش و محققاً قبل از اسلام چند روز مانده به جشن باستانی نوروز، دسته‌ای از مردم با نشاط و خوشدل به دور هم جمع شده از میان خود جوانی ورزیده و برازنده و خوش صورت را به نام میر نوروزی یا امیر نوروز انتخاب می‌کردند، لباس پرزرق و برق بر تن او کرده او را به الاخی یا شتری یا اسبی سوار کرده با طبل و ساز و کرنا به دنبال او به راه می‌افتادند. این شخص با این تشریفات مسخره تا سیزده نوروز در آن شهر یا روستا امیر و فرمانده بود و با همین هیأت و چهره‌ای خندان در حالی که بر الاغ خود سوار بوده، کلاخی سیاه یا به روایتی بازی سفید در یک دست و بادبزنی بزرگی در دست دیگر داشت که مرتباً خود را باد

می‌زد و به حرکت در می‌آورد. پشت سر او جوانی فربه که لباس سرخ بر تن داشت و چتری سفید بر سر میر نوروزی گرفته بود، راه می‌رفت. یک عده جوان که هر یک چوبی در دست داشتند، و بر سر چوب‌ها سر حیوانی از قبیل گاو، گوسفند و غیره نصب کرده بودند نیز از پی می‌آمدند که مفهوم آن برگشت میر نوروزی از جنگ و آوردن سر دشمنان او بوده است. این کاروان نشاط، با هلهله و طبل و کرنا و فریاد و غریب نماشاپیان در شهر و روستا به گردش می‌آمد.

میر نوروزی که در این مدت حاکم و فرمانروا بود، هرکاری می‌خواست انجام می‌داد، هر فرمانی که می‌داد فوراً توسط اطرافیان به صورت اجرا گذاشته می‌شد. اغلب کارهای مسخره و بی‌معنی و مردم آزاری او، باعث خشم مردم می‌شد، چنانکه در ایام خلافت بنی امیه که این مراسم به طور کامل انجام می‌گردید، در یکی از روزهای نوروز که عمر بن عبدالعزیز خلیفه اموی در شهر می‌گذشت، با عبور کاروان میر نوروزی برخورد کرد. میر نوروزی با حرکت مسخره خود، بدون آنکه خلیفه را بشناسد، از همراهان خود خواست که عمامه و جلیقه و شال و جقه خلیفه را بگیرند و همراهان میر نوروزی هم لباس‌های خلیفه را به پلما بردند. خلیفه که سخت متغیر شده بود چون به دارالخلافه آمد، میر نوروزی و همراهان او را مجازات کرده و تا مدتی مراسم نوروز تعطیل شد.

میر نوروزی هنگامی که با همراهان خود از کنار سرای دولتمندان می‌گذشت، طنابی به داخل منزل آنها می‌انداخت و صاحب خانه موظف بود که هدیه‌ای به طناب ببندد. میر نوروزی طناب را می‌کشید و هدیه را می‌گرفت.

در پاره‌ای از مواقع این کار به خاطر گرفتن فال انجام

می‌گرفت. میر نوروزی با نیت صاحب فال طناب را به خانه می‌انداخت و از روی چیزی که صاحب خانه می‌فرستاد، فال طرف را می‌گفت.
در پاره‌ای از نقاط، همین که موکب میر نوروزی از دور می‌رسید، دختران دم بخت که شوهر نکرده یا حاجتی داشتند، به سرعت در یک اطاق، یا آب انبار منزل پنهان شده و گاهی به لباس خود می‌زدند. مادر دختر از خانه بیرون آمده و از همراهان میر نوروزی، کودک نابالغی را به داخل منزل می‌برد تا گره لباس دختر را بگشاید و بخت دختر باز شود.

این مراسم تا سیزده نوروز ادامه داشت و پس از آن میر نوروزی و همراهان متفرق می‌شدند و از ترس مردم از کارهای زشتی که کرده بودند تا مدت‌ها پنهان بودند. بعدها مراسم میر نوروزی تقریباً به حاجی فیروز تبدیل شد که تا امروز هم کم و بیش برگزار می‌شود. مراسم شاه بازی یا امیر نوروزی با آنکه تفاوتی از عید نوروز تا سیزده فروردین در تمام نقاط ایران برگزار می‌شد، ولی امروزه در شهرها انجام نمی‌گیرد. احتمال دارد در بعضی از روستاها این مراسم هنوز رواج داشته باشد.

فدر مسلم اینکه مراسم نوروزی و میر نوروزی، فقط در پنج روز اجرا می‌شده و متعلق به مردم ایران و مرز بوم ایرانیان بوده است. بعید بنظر می‌رسد در دوران تسلط فرهنگ اسلامی، در مفر خلیفه نشینی مسلمانان، چنین مراسمی برگزار شده باشد.

شادی در پنجه دزدیده!

پنج روز یا خمسة مستتره یا پنجه دزدیده، عبارت از پنج روزی است که در آخر تقویم‌ها نویسد. وجه تسمیه به دزدیده، از آن جهت است که در زمانهای دور، وزیر یکی از پادشاهان عجم، حاصل این پنج روز را از تمام ممالک او همیشه از میان می‌برده و به حساب

درنمی آورده است. چون سالها هر ماهی از آن سی روز داشت که دوازده ماه سیصد و شصت روز می شد، در آخر ماه دوازدهم پنج روز می افزودند تا سال کامل شود و آنرا پنجه دزدیده یا خمسة مسترته می نامیدند. این پنج روز چون به حساب نمی آمد و بیرون از تاریخ قرار داشت، ایرانیان در این مدت روزگار را به خوشی و شادکامی می گذراندند. اما نباید تصور کرد که حاکمان شهرها یا پادشاهان در مقر حکومتشان از برپایی مراسم جشن و سرور غافل بودند. چراکه ممکن بود مخالفان در این مدت دست به خرابکاری و آبروریزی بزنند و سیاه کاری بالا آورند. برای جلوگیری از هرگونه پیشامدی،

زنهار به حمام رفته خود را می آراستند. در کوی و برزن زندهای تمیز با لباسهای رنگارنگ، دل از تماشاچیان می بردند. کینه های دیرینه جای خود را به صفا و آشتی می داد.

شاعران بهاریه های تازه می سرودند و مطربان شب به شب آنها را به سرود می آوردند. با فرارسیدن بهار و سال نو، همه چیز نو می شد. طبیعت هم خانه تکانی می کرد و همراه با مردم، خویش را به جلوه بهاری می آراست. روز اول سال به شکوه و میمنت آفتاب به برج حمل می آمد و روز و شب از لحاظ زمانی برابر می شد. شاعری خوش ذوق از این اعتدال ربیعی سود

و آنرا هفت سین می خوانند. در سفره آیین و شمعدان و قرآن نهاده شده است، و در ظرفی پنور چند ماهی رنگارنگ قرار دارند.

ایرانیان عقیده دارند که موقع تحویل سال ماهیان در جای خودشان بی حرکت خواهند ایستاد و به عکس برگ سبز یا نارنجی که روی آب قرار دارد به رقص درمی آیند و حرکت می کنند. عوام می گویند علت این حرکت آن است که زمین بر روی شاخ گاوی جای دارد و در هنگام نوشدن سال، گاو زمین را از شاخی به شاخ دیگر می غلطاند تا آرایشی تازه به زمین و زمان دهد.



حاکمان و دولتمردان به طور غیرمستقیم کسانی را برمیگزیدند که جز سرگرمی خلق... قصد و غرضی نداشته باشند، یا آنکه چنان ابلهیی را انتخاب می کردند که شعورش از بجه کمتر بود. درست یا نادرست واقعه رسیدن عمامه عبدالعزیز، نمونه ای از این دست است که کار از دست رهبران به در رفته بود. جالب آنکه اگر این پادشاه پنج روزه به دلخواه خلق فرمان صادر نمی کرده، مسردم پس از اتمام مراسم او را وارونه سوار خسر ماده

می کردند و در شهر می چرخاندند و شامتش می کردند.

آرایشی تازه برای زمین و زمان

پیش از فرا رسیدن مراسم تجدید سال نو و برپایی جشن و سرور، مراسم چهارشنبه سوری برگزار می شد که آداب خاصی داشت.

به خاطر نو شدن سال، باید همه چیز رنگ و روی تازه می گرفت. شهر یک پارچه طراوت می شد. زیبایی به کمال می رسید. خانه تکانی قبل از عید و نظافت در و دیوار خانه حتی بود. آب آب انبارها تازه می شد. شهر آذین بندی می گردید و مطربان نغمه سرائی می کردند.

برده و سروده است:

زلف را چنین مگذار تا به رخ فروریزد
ای بهار روحانی روز و شب برابرسکن
شب سال نو تشریفات فراوانی داشت و دارد.
واجب است که در آن شب سبزی پلو و ماهی و کوکو
خورده شود. چنین طعامهایی شگون دارد و برکت را به
خانه می آورد. لازم به یادآوری است که شام مفصل
خوردن از عادات ایرانیان بود.

در گاه تحویل سال سفره ای گسترده می شود که در آن هفت ماده که با حرف سین آغاز می شود، قرار می دهند. (سبب سنجید، سبیل، سبزه، سیر، سرکه، سمنو)

بر سر سفره هفت سین شمع روشن می کنند و بعضی حیوانات و سبزه گندم یا عدس که درون بشقاب یا بر پشت کوزه گلی رویده اند نیز می گذارند و معتقدند که این همه باعث روی آوردن برکت و سلامتی و اقبال و فزونی نعمت به خانه است. تحویل سال پیش از اختراع توپ و رادیسو و تلویزیون با اذان به اطلاع اهالی شهرهای می رسید. بدین شکل که رصدبان حلول سال را فریاد می کرد و اذان گویان بر سر گلدسته ها یا معابر آنرا واگو می کردند.

بعدها با شلیک توپ و اخیراً به وسیله رسانه های گروهی اعلام می شود. در این لحظه مؤمنین به تلاوت

سوره پس یا دعای مخصوص عید سرگرم هستند. به عقیده عموم، هرکس در لحظه تحویل سال به هر کاری مشغول باشد، در بیشترین ایام سال بعد با همان امر سرو کار خواهد داشت. به همین جهت بعضی با طلا یا سکه طلا خود را مشغول می‌دارند که نشانه‌ای از مال دار شدن در طی سال جدید است.

پس از تحویل سال، اولین شخصی که به خانه وارد شود، بسته به این که به خوش قدمی یا بد قدمی شناخته شده باشد، میمنت یا نحوست را به خانه می‌آورد. از روی رنگ لباس یا شینی که نخست به خانه آورده شود، تغافل می‌زنند. این بود که روز اول سال، خریه‌ها کمتر به خانه یکدیگر آمد و شد می‌کردند.

آداب نوروز با مراسم روز نخست پایان نمی‌گیرد. طی دوازده روز، خاتواده‌ها و فامیل‌ها به دید و بازدید می‌پردازند. ابتدا کوچکترها و کم بغضات ترها به نزد بزرگترهایی روند و پول نقره یا طلا یا هدیه‌های دیگر به عنوان عیدی دریافت می‌دارند و در روزهای بعد، بزرگترها بازدید پس می‌دهند. در مورد روحانیون

شریری که همراه او دم دروازه خروجی مانده به امید آن که او برگردد و با او به شهر و خانه‌اش وارد شود، در بقیه سال پشت دیوار شهر به انتظار باقی بماند.

شکون تاریخی در روز نخست

در بیشتر نوشته‌های پیشین آمده است که نخستین روز فروردین ماه و نخستین روز سال را برای بار نخست جمشید جشن گرفت. در این روز جمشید به جنگ دیوان رفت و آنان را فرمانبردار خویش کرد. جمشید در این روز بر تختی نشست که دیوان آن را می‌بردند و با آن به یک روز راه از دماوند به بابل رسید و مردم در شگفتی شدند و آن را جشن گرفتند.

عیام در نوروزنامه آورده است که سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون دانستند که آفتاب را دور دور بود، یکی آن که سیصد و شصت و پنج روز و ربعی از شبانه روز به اول دقیقه خفتل باز آید به همان وقت و روز که رفته بود بدین دقیقه نتوانند آمدن. چه هر سال از مدت همی کم شود. چون

در گذشته علاوه بر ۱۳ بدر ۱۴ به توهم برگزار می‌شد.

استثنایی وجود دارد و آن این است که کوچکترها به دیدن علمای بزرگ دین می‌رفتند ولی هرگز عکس آن یعنی بازدید علمای اعلام از دیگران صورت نمی‌گرفت. در هفته نخست سال همه امور تعطیل می‌شد و ارکان دولت و کسبه، کارها را متوقف می‌کردند. این رسم هم اکنون نیز رایج است. پایان مراسم نوروز، سیزدهمین روز سال است که به نام سیزده به در خوانده می‌شود و رسم است که در آن روز همه مردم از شهر خارج شوند و به باغ و صحرا بروند و اوقات به خوشی بگذرانند. روز بعد را چهارده به تو نام نهاده بودند و اگر ممکن می‌شد در آن روز از خانه یا شهر بیرون نمی‌رفتند و در همین روز حدس یا گندمی را که در اطراف کوزه یا درون ظرفی سبز کرده بودند به دور می‌انداختند. این رسم اکنون منسوخ شده است و روز ۱۳ سال جدید مردم سیزده را به دور می‌اندازند.

در قدیم که شهرها دارای دروازه‌های متعدد بود روز سیزده می‌نایست هرکس از دروازه‌های بیرون رود و از دروازه‌های دیگر مراجعت کند تا بدین حیل به دیو

در این روز طهمورث از جنگ دیوان باز آمده و بر زنگیان پیروز شد و مردمان به نعمت و فراوانی رسیدند.

در این روز او فرمان داد که دخمه‌ها را ویران کنند و دیگر دخمه نسازند و جهان را بی مرگ و بی پیری کرد.

در این روز فریدون جهان را به سه بخش کرد و به سه پسر خود ایرج و سلم و تور داد.

در این روز منوچهر بر سلم و تور تاخت و انتقام پدر را از آنها گرفت

در این روز کیخسرو افراسیاب را به کین پدر خویش سیاوش بکشت

در این روز آرش زمینهای ایران شهر را وسعت داد.

در این روز کیخسرو پادشاهی را به لهراسب سپرد و خود با شکوه بسیار به عرش «گرمزان» رفت.

در این روز زرتشت دین مزدیسنی را از اهورا مزدا پذیرفت

در این روز کی گشتاسب شاه دین مزدیسنی را از زرتشت قبول کرد

در این روز بهرام ور جاوند از کابلستان ظهور کرد، پادشاهی که از دوره کیان که در دین مزدیسنی به آمدن او در پایان هزاره دهم نوید داده شده است. درین روز یشتون گشتاسبان از گتنگ دزبه ایران شهر آمد و دین مزدیسنی را رواج داد.

در این روز سام به پادشاهی هفت کشور می‌نشیند تا کیخسرو پدیدار آید، آنگاه سام که نام دیگرش گرشاسب است پادشاهی را به کیخسرو می‌سپارد

در این روز هوشیدر به دیدار اورمزد می‌رسد و دین مزدیسنی را از اورمزد قبول می‌کند تا در بین مردم اشاعه دهد.

و بالاخره در این روز اورمزد رستاخیز می‌کند و جهان بی مرگ و بی پیری می‌شود و اهرمن و دیوان و زورگویان و ستمگران و دشمنان دین نابود می‌شوند.

تهران و شبازی

از زمان حکومت قاجارها مراسم عید نوروز مفصل تر از قبل اجراء می‌شد. چند روز قبل از عید و موعود برگزاری سلام، رئیس تشریفات دربار، دعوت‌نامه‌ای برای علمای، وزراء، سفرای خارجی، امراء ارتش، استادان، نمایندگان مردم و مؤسسات دولتی و... می‌فرستاد و درخواست می‌کرد که هر گروه و طبقه

در چه ساعتی شرفیاب شوند. این کار در کاخ گلستان انجام می‌گرفت. برای علماء محل مخصوصی تعیین می‌گردید و اولین طبقه شرکت کننده هم علماء بودند. شاه با لباس نظامی تمام رسمی که نشانها هم به سینه داشت و شمشیر تشریفاتی به کمر، در آنجا جلوس می‌کرد و علماء هم روی صندلی یا مبل می‌نشستند و یک نفر از آنها که از حیث مقام علمی و سنی بر دیگران مقدم بود آن عید را به شاه تبریک می‌گفت و سلامت و موفقیت برای شاه در خدمت به مردم و کشور اسلامی ایران و خیر و برکت و آسایش و سعادت جهت عموم و ترویج دین را از درگاه خداوند مسألت می‌نمود. شاه هم از تبریکات آنها تشکر می‌کرد. این مراسم در مدت حدود نیم ساعت به پایان می‌رسید. صدراعظم و وزیران همگی با لباس تمام رسمی که در دوره قاجاریه معمول بود سراپا می‌ایستادند. شاه از اطاق مخصوص مطابق برنامه زیر نظر امین دربار و حاجب‌الدوله‌ها با اعلام آنها وارد سالن می‌شد و با همه دست می‌داد. صدراعظم ضمن خطابه‌ای آن عید را از طرف خود و زیردستان درباری و قاطبه ملت به شاه تبریک و تهنیت می‌گفت و با اشاره به بعضی موفقیتها یا تحولات و پیشرفتها در طول سال گذشته، اظهار امیدواری می‌کرد که با تاییدات خداوند متعال، موفقیت بیشتری در سال آینده نصیب گردد. شاه هم از تبریکات نخست‌وزیر یا صدراعظم

تشکر می‌کرد و به مناسبت سیاست روز اشاره‌هایی به اوضاع جهان و کشور می‌کرد و در هر مورد نقطه‌نظر خود را متذکر می‌شد، ضمناً به هر یک از وزرا یک سکه طلا عیدی می‌داد. بعد به اطاق مخصوص خود باز می‌گشت و وزرا از سالن خارج می‌شدند، سپس سفرای خارجی مقیم پایتخت با لباس رسمی مطابق رسم کشور خودشان به همان سالن به وسیله رئیس تشریفات راهنمایی می‌شدند و در آنجا در یک صف می‌ایستادند. یک نفر از سفیرها که از حیث طول مأموریت و اقامت در ایران سابقه بیشتری از دیگر سفیرها داشت به عنوان شیخ‌السفره در اول صف می‌آمد. شاه با همان تشریفات وارد می‌گردید و جلو شیخ‌السفره می‌ایستاد، آن سفیر عید را از طرف خود و سایرین به شاه تبریک می‌گفت و آرزوی سلامت برای شاه و سعادت و ترقی برای ملت و کشور ایران می‌کرد، شاه هم جواب تشکر آمیزی می‌داد و با یک یک سفیرها دست می‌داد و گاهی هم به هر یک از آنان سکه طلا عیدی می‌داد.

بعد به ترتیب هر طبقه به مدت تقریباً یک ربع ساعت با همین تشریفات به حضور شاه می‌رسیدند و این مراسم تا ساعت یک بعدازظهر ادامه داشت و در رأس هر طبقه رئیس یا شن‌تر آن طبقه عید را به شاه تبریک می‌گفت و شاه هم تشکر می‌کرد.

حکومت زنان بی‌مورغ و نوروز

در فرهنگ مردم آمده است که در بی‌مورغ گناباد و شاید همه‌ی آن حدود رسمی از دیر باز مانده و آن این که از روز نهم فروردین تا روز سیزده حکومت و اختیارات کلاً به دست زنان می‌افتاد. هیچ مردی حق ندارد از خانه خارج شود و اگر خارج شود زنان او را تنبیه می‌کنند. خود زنان وسائل و مایحتاج زندگی را تهیه و خانه را اداره می‌کنند. علاوه بر آن به بازیها و ورزش‌های گوناگون شبیه مردان می‌پردازند. زنان اغلب روز را در خارج از خانه می‌گذرانند. اسب سوار می‌شوند و می‌تازند و از روز سیزده به خانه برمی‌گردند و می‌شوند همان زن سر به راه و سر به زیر. این مراسم آنقدر جدی است که واقعاً مردان جرأت دست از پا خطا کردن ندارند.

قصه در تمام این مدت جشن و سرور در داخل خانه و شهر برپاست و گذرگاهها و سردر خانه‌ها به روشنی چراغ مزین است. حافظ در بیت زیر از این چراغ افروختن استعاره‌ای برای موفقیت و شادمانی بر کرده است که ما همین را برای شما خواننده و همه‌ی مردم این سرزمین آرزو می‌کنیم.

ز کسوی یسار می‌آید نسیم باد نوروزی

ازین باد ار مدد خواهی چراغ دل پرافروزی

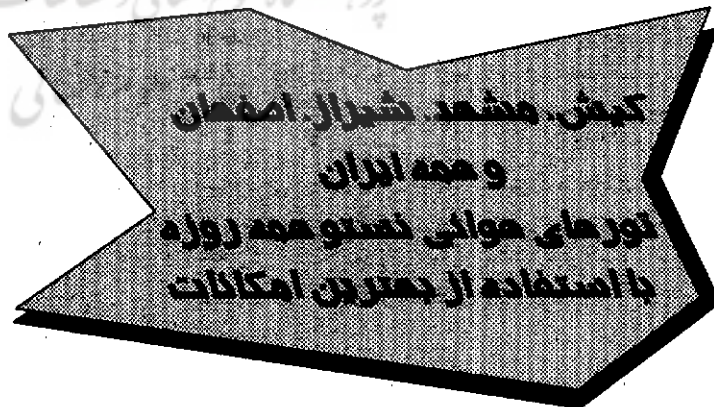
باتورهای نستو آسوده خاطر سفر کنید



NASTO

NASR SAFAR
TOURISM ORGANIZATION

آژانس مسافرتی نصر سفر



تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از چهارراه ولیعصر انقلاب، کوچه نیکویی

تلفن رزرواسیون: ۶۲۰۶۴۹۰